

## نظارت قدرت عمومی بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

زهرا راغبی<sup>۱</sup>، محمد صادق هنرمند<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری حقوق عمومی، دانشگاه علوم تحقیقات فارس، شیراز

<sup>۲</sup> کارشناسی مهندسی برق، دانشگاه علوم تحقیقات فارس، شیراز

---

### چکیده

شورای عالی انقلاب فرهنگی نهادی است که به فرمان امام خمینی ایجاد شد ولی در قانون اساسی به این نهاد اشاره‌ای نشده است. اختیارات مهم گسترده‌ای به این شورا واگذار شده است. با توجه به اینکه این نهاد زیر نظر رهبر و رکن مشورتی رهبری است و اینکه نهادها و قوای مختلف در این شورا نماینده دارند، شاید نتوان توجیهی برای نظارت مجلس به موجب اصول ۹۰ و ۷۶ در این شورا پیدا کرد اما با تکیه بر اصل ۵۴ قانون اساسی امکان نظارت مالی از سوی مجلس بر این شورا وجود دارد. در باب نظارت قضایی دیوان عدالت در این شورا رویه‌ها و قوانین گوناگون ایجاد شده است که برخی با تکیه به سخنان حضرت امام خمینی و برخی دیگر با تکیه بر ضرورت‌ها در هر دوره‌ای تغییر پیدا می‌کرد ولی در آخر مجلس با تصویب قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۲ به ابهامات و رویه‌های گوناگون پایان داد و امکان نظارت قضایی دیوان عدالت بر شورای عالی انقلاب را وجهه قانونی بخشید.

**واژه‌های کلیدی:** نظارت قدرت عمومی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، حقوق.

---

## مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر دادن اختیار وضع قوانین به موجب اصل هفتاد و یکم در عموم مسائل به قوه مقننه به موجب اصول پنجاه و چهارم، هفتاد و ششم و نودم، وظیفه نظارتی هم برای مجلس شورای اسلامی پیش بینی کرده است. به موجب اصول مذکور، مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را داراست و یا اینکه قانون اساسی مجلس را موظف کرده که شکایات مردم در خصوص قوای حاکمه را رسیدگی کنند و پاسخ را به اطلاع برساند. همچنین نظارت مالی قوه مقننه که به موجب آن مجلس می تواند در کلیه دستگاه هایی که به نحوی از بودجه کل کشور استفاده می کنند از طریق دیوان محاسبات که زیر نظر مستقیم مجلس است، نظارت داشته باشد. حال سوال این است که آیا به موجب اصل ۹۰ مجلس صلاحیت رسیدگی به شکایات وارده در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی را هم دارد؟ آیا به موجب اصل هفتاد و ششم مجلس می تواند در مورد شورای عالی انقلاب فرهنگی تحقیق و تفحص داشته باشد؟ آیا حق نظارت مالی مجلس شورای اسلامی مشمول شورای عالی انقلاب فرهنگی هم می شود؟ جدایی از نظارت پارلمانی قوه مقننه، نظارت قضایی که در قانون اساسی پیش بینی شده است که به موجب اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی که صلاحیت رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها و یا آیین نامه های دولتی را به دیوان عدالت اداری واگذار کرده است. با توجه به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن در نظام حقوقی ایران آیا می توان نسبت به مصوبات این شورا در دیوان عدالت اداری اداره شکایت کرد؟ آیا دیوان صلاحیت رسیدگی را دارد؟ در ادامه سعی خواهیم کرد هر یک از این عناوین را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

## بند اول: نظارت پارلمانی بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

"کار ویژه نظارت پارلمان یکی از اساسی ترین وظایف این نهاد بعد از قدرت تصویب قانون است"<sup>۱</sup>

جدا از تقسیم بندی هایی که حقوقدانان برای نظارت پارلمانی قائل شده اند ما در این قسمت با توجه به اصول ۵۴، ۷۶ و ۹۰، صلاحیت نظارتی مجلس شورای اسلامی را در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بحث قرار می دهیم البته ناگفته نماند که برای قوه مقننه در زمینه نظارت بر اعمال قوه مجریه اختیارات دیگری در قانون اساسی پیش بینی شده است که چون از بحث ما خارج است در آن مباحث وارد نمی شویم.

## الف - نظارت قوه مقننه به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی

در اصل ۹۰ قانون اساسی آمده است "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و قوه قضاییه داشته باشد می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کنند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی بدهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه مقننه یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی را از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند."<sup>۲</sup>

همان طور که از این اصل برمی آید قلمرو رسیدگی مجلس بسیار وسیع و گسترده است بدین معنی که هر کسی می تواند از تمام قوای حاکم (قوه مقننه، مجریه و قضاییه) و کلیه سازمان های که به هر نحو زیر نظارت این قوا<sup>۳</sup> هستند، شکایت کنند. مکاتبه با مراجع مورد شکایت، دعوت از مقامات مسئولان مراجع، اعزام هیئت تحقیق بررسی و تحلیل قضیه برای شناخت مراتب تخلف و ارائه جواب کافی، مجموعه اقدامات گسترده ای است که مجلس را به محض وصول شکایت درگیر می سازد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۲۸.

<sup>۲</sup> ماده ۴۴، آیین نامه داخلی مجلس.

<sup>۳</sup> هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ دهم، ص ۱۶۴.

به همین منظور جهت اجرای این اصل، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس تشکیل گردید و طبق مقررات و قوانین خود انجام وظیفه می نماید. با توجه به مطلب مذکور آیا مجلس شورای اسلامی می تواند شکایات در خصوص مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را رسیدگی کند؟

با توجه به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی زیر نظر رهبری است و مصوبات آن که در حکم قانون به حساب می آید و به نظر می رسد که نمی توان این صلاحیت را در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مجلس قائل شد ضمن اینکه خود شورای عالی طی مصوبه ای در هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۱ و چهارصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ احکام نهایی صادر شده و توسط هیات مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی و همچنین کمیته انضباطی دانشگاه ها را قطعی و غیر قابل شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و بازرسی کل کشور و... اعلام داشته است.<sup>۱</sup>

### ب- نظارت قوه مقننه به موجب اصل هفتاد و ششم (حق تحقیق و تفحص)

مجلس شورای اسلامی به موجب اصل هفتاد و هشتم، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. از آن جهت که مجلس مظهر اراده عموم مردم و مبین خواسته های آنان است، باید به نمایندگی از سوی مردم بتواند از طریق تحقیق و تفحص، مراقبت های لازم و کافی را نسبت به همه مقامات و نهادهای حکومتی به این خاطر که با حقوق و آزادی های مردم سر و کار دارند به عمل آورد تا بدین وسیله از انحراف اعمال حکومتی جلوگیری شود. قانون اساسی در این خصوص اختیار وسیعی برای مجلس قائل شده و با ذکر عبارت تمام امور در مفهوم مادی همه مسائل داخلی و بین المللی و در مفهوم سازمانی تمام سازمانها و مقامات مشمول اصل نظارت فوق می شود.<sup>۲</sup> با توجه به مطالب مذکور آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی هم مشمول اصل مذکور می شود؟

از آنجایی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک مرجع عالی سیاستگذاری به وضع مصوبات و قاعده گذاری می پردازد و از آنجایی که این نهاد توسط مقام رهبری بنیانگذاری شده است و زیر نظر مستقیم این مقام عالی کشور اداره می شود و از طرفی در آن، سه قوه کشور و برخی وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جایگاه شخصیت های حقوقی به عنوان اعضای این شورا در این نهاد حضور دارند به نظر می رسد که صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تحقیق و تفحص شامل این شورا نمی شود و شاید بتوان گفت اساساً با توجه به حضور چنین شخصیت هایی به عنوان اعضای شورا ضرورت تحقیق و تفحص از چنین ارگانی احساس نمی شود. جدای از اینکه طبق ماده ۱۹۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، دستگاه های که زیر نظر مستقیم مقام رهبری اداره می شود به همراه مجلس خبرگان رهبری شورای نگهبان از اجرای اصل هفتاد و ششم قانون اساسی مستثنا شده اند.

### ج- نظارت قوه مقننه به موجب اصل ۵۴ (نظارت مالی)

نظارت بر اجرای بودجه همانند نظارت بر تدوین بودجه حق قوه مقننه است زیرا اگر چنین نظارتی وجود نداشته باشد تصویب بودجه بی معنا خواهد بود. این نظارت قوه مقننه از باب اطمینان خاطر نسبت به اجرای دقیق و صحیح مصوبات بودجه می باشد. در تصویب بودجه قوه مقننه صرفاً به وضع قواعد لازم می پردازد اما در مرحله نظارت بر اجرا کار بررسی نیازمند دقت فراوان و ورود در جزئیات ارقام به مراتب بیشتر از مرحله تصویب می باشد فلذا این نظارت باید بر مبنای اصول و ضوابط معین صورت گیرد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره کل روابط عمومی، آشنایی با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، انتشارات شریف، ص ۲۲۵.

<sup>۲</sup> هاشمی، محمد، پیشین، ص ۱۷۲.

<sup>۳</sup> همان، ص ۲۰۵.

به همین منظور یک گروه متخصص از سوی قوه مقننه کار نظارت و بررسی دقیق را بر عهده می گیرد. قانون اساسی امر نظارت بر اجرای بودجه را بر عهده دیوان محاسبات کشور قرار داده است طبق اصل پنجاه و چهارم دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می باشد. درباره هدف تشکیل این دیوان طبق ماده ۱ قانون دیوان محاسبات کشور هدف اصلی دیوان پاسداری از بیت المال می باشد که از طریق نظارت بر عملیات و فعالیت کلیه دستگاهها بررسی و حسابرسی و وجوه مصرف شده و تهیه گزارش تفریغ بودجه می باشد؛ اما وظیفه دیوان محاسبات بر اساس اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی: "دیوان محاسبات به کلیه وزارتخانه موسسات و شرکتهای دولتی و یا سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی و حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می نمایند این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود."

دیوان محاسبات در انجام وظایف خود طبق ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور از طریق تحقیق و تفحص و تماس با تمام مقامات و قوای سه گانه اقدام می نماید و همه ساله، همه سازمان ها بدون استثنا موظف به دادن اطلاعات و پاسخگویی مستقیم می باشند. بنابر آنچه که ذکر شد، بنابر تصریح قانون اساسی مبنی بر کلیه دستگاه هایی که به نحوی از انحا از بودجه کشور استفاده می کنند و قانون دیوان محاسبات عمومی که همه سازمان ها را موظف به دادن اطلاعات و پاسخگویی در برابر دیوان محاسبات کرده، بدیهی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به عنوان یکی از ارگان هایی که از بودجه سالانه کل کشور استفاده می کند، باید در برابر دیوان محاسبات و نظارت مالی قوه مقننه پاسخگو باشد.

### بند دوم: نظارت قضایی

امروزه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی به قدری توسعه و گسترش یافته است که لزوم تخصص نیز در جمیع شئون به عنوان یک نیاز و ضرورت احساس می شود و دانش حقوق و علوم قضاوت نیز از این حیث بی بهره نمانده است. از این رو لزوم تشکیل دادگاه های اداری که از جمله دادگاه های اختصاصی به عنوان یک ضرورت اجتماعی احساس و پذیرفته شده است.<sup>۱</sup>

ضرورت وجود دستگاه قضایی صالح برای تضمین عملی مسئولیت اداری دولت از دیرباز تا کنون مورد توجه مغرب زمین بوده است. امروزه بسیاری از کشورهای دنیا این نظام حقوقی را پذیرفته و مورد توجه قرار داده اند چرا که روابط حقوقی افراد عادی با دستگاه های مختلف اداری وقتی از موضوع عادلانه برخوردار خواهد بود که مقامات اداری در انجام اعمال اداری خود را موظف به رعایت قوانین حاکم ببینند بدین معنی که عوامل قانونی را در رتق و فتق امور رعایت کنند و از انجام اعمال اداری خلاف قانون خودداری کنند.<sup>۲</sup> در کشور ما نیز وجود محاکم اداری در جهت بهبود وضعیت دستگاه های اداری ضروری تشخیص داده شده و با الگو گرفتن از کشورهای پیشکسوت در این زمینه محاکم متنوعی ایجاد شد. ابتدا اصل سی و دوم قانون اساسی مشروطیت حق عرض حال و شکایت علیه مجلس و وزارت خانه ها را در بیان کلی مقرر داشته بود. سال ها پس از آن، قانون مسئولیت مدنی مصوب اردیبهشت ۱۳۳۹ در ماده ۱۱ مسئولیت مدنی دولت در مقابل افراد را مطرح ساخت و سپس قانون شورای دولتی با اقتباس از مقررات شورای دولتی فرانسه در خرداد ماه ۱۳۳۹ به تصویب رسید که ظاهراً از همان ابتدا به دلیل اوضاع نامطلوب سیاسی و عدم تمکین دولت های وقت به حاکمیت قانون بلا اجرا ماند.<sup>۳</sup>

نهایتاً در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی وجود چنین دادگاه های اختصاصی پیش بینی شده است. به منظور رسیدگی به شکایت تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحد ها یا آیین

۱. طباطبایی، مومنی، حقوق اداری، سمت، تهران، ص ۴۲۱.

۲. هاشمی، محمد، پیشین، ص ۴۳۵.

۳. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، دیپاچه چاپ سوم، ص ۴۲۶.

نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوان به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تاسیس گردید. شورای عالی انقلاب فرهنگی ممکن است در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به تدوین و تصویب مصوبات نمایند که خلاف قوانین اصول حقوقی باشد یا خارج از صلاحیت و اختیارات شورای عالی باشد که در اثر این مصوبات عده ای از شهروندان متضرر شوند. مرجع تشخیص خلاف بودن قوانین و اصول حقوقی کجاست؟ آیا دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به اعتراضات شهروندان از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد یا نه؟ در ادامه صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراضات و شکایات علیه مصوبات شورای عالی را بررسی و رویه عملی دیوان را در رابطه با مصوبات این شورا را بیان می نماییم.

رویه دیوان عدالت اداری درباره مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قبل از قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، بعد از تصویب قانون دیوان عدالت اداری ۱۳۸۵ تا تصویب قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ و پس از تصویب قانون دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲:

به موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی "به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحد ها و آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تاسیس می گردد اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند."

در قانون قبلی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰، ماده ۱۱ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان را چنین تعیین کرده بود: ۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف-تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات وابسته به آنها ب-تصمیمات و اقدامات مامورین واحدهای مذکور در بند الف در امور راجع به وظایف آنها پ-آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها از جهت مخالفت مدلول آنها با قانون و احکام حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات و اقدامات و مقررات مذکور به علت بر خلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود. ۲-رسیدگی به اعتراضات و شکایت از آراء...

از طرفی نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی این بود که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به شکایات و اعتراضات علیه مصوبات شورای عالی را ندارد به طوری که چندین بار به تصویب مصوبه و استعلام های صورت گرفته این موضوع را صریح بیان نموده است. شورای عالی در هشتاد و سومین نشست مورخ ۱۱/۶/۱۳۶۵ مقرر کرده که به دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و بازرسی کل کشور اعلام می شود که احکام نهایی صادر شده توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و با توجه به اظهار نظر حضرت امام امت نسبت به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نهادهای مسئول نایستی با این مصوبات مخالفت نمایند و احکام مذکور را مورد سوال تردید قرار دهند.<sup>۱</sup> همچنین در جلسه چهارصد و سی و نهمین شورای عالی مورخ ۹/۸/۱۳۷۷ شورای عالی پس از استحضار از دیوان عدالت اداری در خصوص قابلیت یا عدم قابلیت تجدید نظر در احکام و آرا تنبیهی صادره از کمیته انضباطی دانشگاه ها مقرر نمود: "احکام و آراء تنبیهی صادره از کمیته دانشگاه ها غیر قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری است."<sup>۲</sup>

چهار شهروند در آبان سال ۱۳۷۸ طی شکایتی به دیوان عدالت اداری خواستار ابطال مصوبه هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۱/۶/۱۳۶۵ چهارصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۷۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی شدند. در دادخواست های تقدیمی شاکیان آمده است: "شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۱/۶/۱۳۶۵ و چهارصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۷۷ احکام نهایی صادر شده توسط هیئت مرکزی انضباطی و همچنین کمیته انضباطی

<sup>۱</sup> دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره کل روابط عمومی، مجموعه مصوبات و ابلاغات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳-۱۳۶۸)، جلد اول، ص ۱۹۴.

<sup>۲</sup> دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره کل روابط عمومی، مجموعه مصوبات و ابلاغات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳-۱۳۶۸)، جلد سوم، ص ۵۹۸.

دانشگاه ها را قطعی و غیر قابل شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، بازرسی کل کشور و غیر قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری که بر اساس اصول ۹۰-۱۷۰-۱۷۳-۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی انجام وظیفه می نمایند، اعلام داشته است.<sup>۱</sup> این مصوبه مغایر اصول ۴-۳۶-۶۱-۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی و خارج از صلاحیت مرجع تصمیم گیرنده و خلاف شرع می باشد لذا ابطال آنها با استناد ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مورد تقاضاست.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به استعلام دیوان عدالت اداری چنین بیان داشته:

"در ابتدای کار شورای عالی انقلاب فرهنگی زمانیکه ضوابط گزینش دانشجو و کمیته انضباطی دانشجویان در دست تصویب بود با توجه به اینکه مسئله ماهیت قضایی داشته و برخی موارد مستلزم تولید مجازات سلب مزایا و برخی حقوق از دانشجویان است ضروری تشخیص داده شد نامه شماره ۱/۹۷۱۸ مورخ ۱۱/۲۹/۱۳۶۳ ریاست محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی (مقام رهبری فعلی) از حضرت امام کسب تکلیف نمود. حدود اختیارات شورای عالی را در این زمینه مشخص نمایند. همانطور که در پی نوشت آمده است حضرت امام ضوابط و قواعد شورای عالی را در حد قانون دانسته و فرموده اند که به آنها باید ترتیب اثر داده شود. همچنین با توجه به مفاد بند یک فوق شورای عالی ضوابط و قواعدی را در مورد گزینش و کمیته انضباطی دانشجو وضع نموده و مراجع ذیربط جهت اجرا ابلاغ نموده در عمل مشخص شد که تصمیمات گزینش و کمیته انضباطی دانشجو از طریق مراجعی نظیر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری در معرض مخالفت و حتی نقض قرار می گیرد. شورای عالی برای جلوگیری از این اشکال مصوبه جلسه مورخ ۱۱/۶/۱۳۶۵ را به مراجع ذیربط ابلاغ نمود."

دبیر محترم شورای نگهبان نیز در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت نامه شماره ۲۱۱۳ مورخ ۱۸/۹/۱۳۷۰ اعلام داشته اند: "شکایت آقای... مبنی بر اعلام خلاف شرع بودن مصوبه هشتاد و سومین جلسه مورخ ۱۱/۶/۱۳۶۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه فقها و شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می گردد: "همانگونه که در متن مصوبه مذکور آمده است چون این مصوبه با استفاده از نظر مقام معظم رهبری حضرت امام وضع شده است فلذا خلاف شرع نمی باشد."<sup>۲</sup>

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۳۳ مورخ ۱۲/۶/۱۳۷۸ به نام پیشنهاد مورخ ۱۲/۵/۱۳۷۸ معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری ماده واحده خروج تصمیمات صادره از هیات ها و کمیته های تخصصی وزارتخانه های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در امور و شئون علمی آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی را تصویب نمود.<sup>۲</sup>

اگر چه با تصویب تبصره ماده ۱۹ قانون عدالت اداری عدم ورود دیوان جهت رسیدگی به مصوبات و تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی ساز و کار قانونی پیدا کرد اما شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه فوق الذکر با خارج ساختن آرا و احکام صادره از هیات ها و کمیته های تخصصی وزارت علوم از شما صلاحیت عدالت اداری در واقع تخصیصی بر اصل ۱۷۳ قانون اساسی که در خصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری وارد نمود. در حالی که دیوان عدالت اداری یک مرجع اختصاصی در

<sup>۱</sup> روزنامه رسمی به شماره ۱۶۰۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۸.

<sup>۲</sup> "ماده واحده: آن دسته از تصمیمات و آراء نهایی و قطعی صادره در هیات ها و کمیته های تخصصی فعال در وزارتخانه های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب از جمله تصمیمات و آراء نهایی هیات های امانا، ممیزه و انتظامی اساتید و کمیته انضباطی دانشجویان و همچنین تصمیمات و آراء نهایی در خصوص بازنشستگی ارتقاء ارزیابی و پذیرش علمی بورس دانشجویان و فرصت مطالعاتی که صرفا در رابطه با امور و شئون تخصصی علمی آموزشی و پژوهشی صادر شده باشد قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نخواهد بود.

تبصره- در هر یک از وزارتخانه های علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی هیئتی به عنوان مرجع نهایی به منظور تجدید نظر و رسیدگی به شکایات اساتید و دانشجویان از آراء و تصمیمات هیئت ها و کمیته های مذکور در ماده واحده فوق که در امور و شئون علمی آموزشی و پژوهشی صادر شده و همچنین به منظور نظارت بر نحوه رسیدگی در این هیئت ها و کمیته ها تشکیل می شود. ترکیب اعضا و وظایف و اختیارات هیئت موضوع این تبصره به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید."

مقایسه با دادگاههای دادگستری که صلاحیت ندارند می باشد اما دیوان خود در برابر مراجع دیگر اداری دارای صلاحیت عام است.

نکته قابل توجه اینکه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نه تنها حق شکایت به دیوان عدالت اداری را سلب نموده بود بلکه با ذکر قید "سایر مراجع اداری" عملاً صلاحیت دادگاه های دادگستری را نیز تخصیص زده بود. اجرای این رویه در مورد شورای عالی انقلاب فرهنگی همراه با مشکلاتی بود؛ زیرا اختیارات فراوانی به شورا واگذار شده بود در حالی که عملاً امکان نظارت قضایی به دلیل قانون قلمداد شدن مصوبات شورا وجود نداشت و این امر پیامدهای غیرقابل قبولی را به همراه داشت. با توجه به این موضوع و خطراتی که حقوق و آزادی های مردم را در مقابل مصوبات غیر قابل نظارت قضایی شورا تهدید می کرد و همچنین با وجود نهاد مقننی همچون مجلس، واگذار کردن تصویب قانون و قاعده گذاری به این شورا موجب ایجاد نهاد های موازی مقنن و عدم کارایی می شد، مجلس شورای اسلامی با وضع قانون دیوان عدالت اداری جدیدی در سال ۱۳۹۲ به تمام این ابهامات پایان داده و با خارج نمودن نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی از نهادهای مستثنی شده از نظارت قضایی دیوان عدالت اداری، اعتبار مصوبات این شورا را از "در حکم قانون بودن" تنزل داده و در ردیف مصوبات دولت قرار داد. تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت ۱۳۹۲ اشعار میدارد: "رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و صرفاً آیین نامه ها و بخشنامه ها و تصمیمات رییس قوه قضاییه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است." مهمترین موضوع مورد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان در زمان تصویب این قانون همین تبصره بود که شورای نگهبان با توجه به سخن امام خمینی در مورد قانون قلمداد کردن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی خواستار مستثنی شدن این شورا از نظارت قضایی دیوان عدالت بود. ولی مجلس شورای با مصلحت اندیشی و با توجه به خطراتی که ممکن است از جانب این شورا حقوق و آزادی های مردم را تهدید کند خواستار نظارت قضایی بر مصوبات این شورا بودند که پس از کش و قوس های فراوان و آمد و شد ها، سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام نظر مجلس را تایید نمود و با تنزل داد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از قانون به مصوبه به اختلافات پایان داد.

### بحث و نتیجه گیری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر دادن اختیار وضع قوانین به موجب اصل ۷۱ در عموم مسائل به قوه مقننه، به موجب اصول ۵۴ و ۷۶ و نود وظیفه نظارتی هم برای مجلس پیش بینی کرده است. به موجب این اصول مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را داراست و یا اینکه قانون اساسی مجلس را موظف کرده که شکایات مردم در خصوص قوای حاکمه را رسیدگی کند و پاسخ را به اطلاع عموم رساند. شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به اینکه در زمره نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری قرار دارد و از سوی دیگر نمایندگان نهادها و قوای مختلف در آن حضور دارند از نظارت مجلس در این مورد مستثنا شده است که این امر قابل نقد می نمایند. ولی در مورد نظارت مالی مجلس از طریق دیوان محاسبات موضوع اصل ۵۴ قانون اساسی ۹۴، مشمول نظارت مجلس قرار گرفته است. در مورد نظارت قضایی بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رویه های مختلفی در مرور زمان شکل گرفته است آنچه در ایجاد این رویه ها تعیین کننده بوده است، جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است. در ابتدای شکل گیری این شورا با اعلام نظر امام خمینی، مصوبات این شورا در حکم قانون شناخته شد و دیوان عدالت صلاحیت خود را برای نظارت بر این مصوبات از دست داد ولی بعدها در رویه، دیوان عدالت شکایاتی را که از مصوبات شورا عرضه می شد را می پذیرفت و حتی در چند مورد، در مورد شرعی بودن این مصوبات از شورای نگهبان استعلام نظر کرد و در عین ناباوری شورای نگهبان به عنوان مفسر و پاسدار قانون اساسی و شرع در مورد شرعی بودن یا نبودن این مصوبات اعلام نظر کرد در حالی که با توجه به "در حکم قانون" قلمداد شدن این مصوبات به فرمان امام، باید بیان می داشت که "دیوان صلاحیت رسیدگی به این مصوبات را ندارد." در هر صورت این رویه های متعارض تا تصویب قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۸۵ ادامه پیدا کرد. تبصره ماده ۱۹ این قانون صراحتاً شورای عالی انقلاب فرهنگی را در ردیف نهادهای مستثنا

از نظارت قضایی دیوان عدالت قرار داد. از سال ۸۵ رویه ثابتی با توجه به قانون دیوان عدالت شکل گرفت. عدم نظارت قضایی دیوان بر شورای عالی انقلاب فرهنگی موجب تهدید حقوق آزادی های مردم از سوی این شورا می شد. از سوی دیگر قرار دادن مصوبات این شورا در درجه همتراز با قوانین مجلس موجب شکل گیری نهادهای موازی و از هم گسیختگی قوانین و عدم کارآمدی می گردید. لذا با توجه به همین مساله و ضرورت ها، مجلس قانون جدید دیوان عدالت اداری را در سال ۱۳۹۲ به تصویب رساند و در تبصره ماده ۱۲ این قانون، این نهاد را از زمره نهادهای مستثناء از نظارت دیوان خارج نمود و جایگاه پایین تری نسبت به قانون به مصوبات این شورا داد.

## منابع

۱. اداره کل روابط عمومی رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، تهران، دانش پرور، ۱۳۸۴.
۲. ایرانی، حسین، مسئله شورا، تهران، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۱.
۳. امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش، حقوق اداری، جلد اول، میزان، چاپ دوم ۱۳۸۷.
۴. جنانی، حسین، شورای نگهبان سند مشروعیت قوانین نظام، ناشر مولف، جلد اول، ۱۳۷۰.
۵. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آشنایی با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، انتشارات شریف، ۱۳۸۱.
۶. روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، نگرشی بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۷. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۸. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. موسی زاده، رضا، حقوق اداری، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۲.
۱۰. مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
۱۱. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۰.
۱۲. ارسطو، محمد جواد، نگاهی به مبانی فقهی شورا، مجله علوم سیاسی، شماره ۴۰، ۱۳۷۸.
۱۳. فارسی، جلال الدین، درحاشیه مسائل انقلاب فرهنگی، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۶، ۱۳۶۱.
۱۴. میرسلیم، مصطفی، نگاهی به وضعیت و اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماهنامه دانشگاه انقلاب، شماره صد، ۱۳۷۲.
۱۵. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد ۳ و ۵، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.



## Supervision of public authority on the approval of the Supreme Council of the Cultural Revolution

Zahra Raghbi<sup>1</sup>, Mohammad Sadegh Harmand<sup>2</sup>

*1- Ph.D. in Public Law, Fars University of Science Sciences, Shiraz*

*2- BS in Electrical Engineering, Fars University of Science Sciences, Shiraz.*

---

### Abstract

The Supreme Council of the Cultural Revolution is an institution created by the command of Imam Khomeini but not mentioned in the constitution. Extensive powers have been delegated to this council. Considering that this institution is under the supervision of the leader and advisory leader of the leadership, and that various institutions and forces are represented in this council, it may not be possible to justify the oversight of the assembly in accordance with Principles 90 and 76 in this council but, based on Article 54 of the law There is an essential possibility of parliamentary oversight of the council. In the Judiciary, the Court of Justice has created a variety of rules and procedures, some based on the words of Imam Khomeini and others, relying on the necessities of each round, but in the end of the legislature by the adoption of the Law on Administrative Justice In 2013, he ended up with various ambiguities and procedures, and allowed the judicial review of the Supreme Court of Justice to legitimize the Supreme Council of the Islamic Revolution.

**Keywords:** Supervision of General Power, Approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Law.

---